

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلامیه بلفور: یک قرن سیاست استعماری به بهانه‌ی "قانونیت بین‌الملل"

(ترجمه)



Foreign Office,
November 2nd, 1917.

Dear Lord Rothschild,
I have much pleasure in conveying to you, on behalf of His Majesty's Government, the following declaration of sympathy with Jewish Zionist aspirations which has been submitted to, and approved by, the Cabinet.
"His Majesty's Government view with favour the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people, and will use their best endeavours to facilitate the achievement of this object, it being clearly understood that nothing shall be done which may prejudice the civil and religious rights of existing non-Jewish communities in Palestine, or the rights and political status enjoyed by Jews in any other country."
I should be grateful if you would bring this declaration to the knowledge of the Zionist Federation.

وزیر خارجه حکومت فلسطین ریاض مالکی بر تجلیل صدسالگی "اعلامیه بلفور" تهدید کرد که به ضد بریتانیا شکایت قانونی ارجاع خواهد کرد. "اعلامیه بلفور" بیانیه‌ای است که در ۲ نوامبر سال ۱۹۱۷م وزیر خارجه وقت بریتانیا (آرتور بلفور) به رهبر وقت یهود لیونیل روتشلد، تأسیس یک دولت ملی یهود در سرزمین فلسطین را تعهد سپرده بود، همزمان با صد سالگی این اعلامیه، دولت فلسطین از بریتانیا خواست تا از اعطاء "اعلامیه بلفور" عذرخواهی کند.

یک ماه قبل محمود عباس، رئیس حکومت فلسطین نیز این قضیه را در اجتماع عمومی، بیان کرده و به شنوندگان‌اش اظهار کرد: «سال گذشته در نشستی با حضورتان از بریتانیای بزرگ خواستم تا اشتباه تاریخی‌اش را که با صدور اعلامیه بلفور در سال ۱۹۱۷م برای یهود در سرزمین فلسطین اجازه تأسیس خانه ملی را داد، بازپس گیرد؛ ولی حکومت بریتانیا در مقابل خواست ما برای تصحیح اشتباه تاریخی‌اش لازم بود که معذرت خواسته، دولت فلسطین را به رسمیت شناسد. درین خصوص با آن‌ها طویل بحث کردم؛ ولی آن‌ها هیچ جوابی ارائه نکردند و معذرتی نخواستند. از آن بدتر، در ماه نوامبر صد سالگی اعلامیه بلفور را جشن گرفتند.»

به بسیار بی شرمی نخست وزیر "تریزانی" در مقابل پرسشی نماینده مجلس عوام انگلیس، پاسخ داد: «ما صدسالگی اعلامیه بلفور را جشن می‌گیریم.» وی علاوه ساخت: «ما به نقش خود در تأسیس دولت یهود افتخار داریم.» در حقیقت وی همان گفته‌ی ونستون چرچیل را در کمیته "بیل" در سال ۱۹۳۷م که مسئول جمع‌آوری، دیدگاه اهل فلسطین، برای تأسیس وطن ملی به یهودیان بود، گفت: «معترف نیستیم که سگ (اهل فلسطین) در خطر است، در حقیقت صاحب سگ در خطر است؛ با وجودی که زمانه زیادی بر سکونت آن سپری شده باشد. همان‌گونه که من با این دلیل که هندوهای سرخ پوست آمریکا را که باشندگان بومی آن سرزمین‌اند، از داخل شدن و مستعمره ساختن اروپاییان منع نمی‌کنم.»

آنچه اکثر مردم درک ندارند: انگلیس استعمارگر مکار بود که با مکر شبانه روزی اش اولاً خلافت عثمانی را سقوط داد، سپس توسط توافق نامه سایکس-پیکو و سیاست "تفرقه بینداز حکومت کن" اش، همانند نقش بر ریگ، پلان تجزیه و برهم زدن وحدت امت را که ضامن بقاء آن بود، با تقسیم و ترسیم سرزمین های کوچک و ناتوان در دشمنی و تنازع باهم انداخت. در قبل ما امت واحدی بودیم، باهم برای خروج از ضعف و انحطاط و خیر امم بودن و رهبری بشریت از ظلمات به نور، توانائی داشتیم؛ اما بعد از تفرقه و دولت های کوچک این سرزمین ها هرکدام در پای غرب در پی حفظ هویتی شخصی خود و هر حاکم، اساس ارتباط اش را با قدرت انگلیس محکم ساخته و خود را در گرو فرهنگ غرب قرار داد.

برعلاوه آنچه گذشت، اعلامیه بلفور کاملاً خلاف موازن قانون بین المللی بوده و در تاریخ چنین چیزی نگذشته است که یک دولت استعماری، سرزمین مردمی را که "زیر حاکمیت وی نیستند و هیچ گونه حق تصرف بر آنها را ندارد" به مردمی و یا قومی پراکنده که در روی زمین جای ندارد، تسلیم و آنها را از هرگوشه و کنار دنیا جمع کند. انگلیس با تکیه بر شرکاء جرمی استعماری اش-جامعه ملل- و با اتکاء بر قاعده "خونریزی را بین مردم مستعمره گسترش دهید" توانست حق قیمومیت فلسطین را بدست بیاورد. ازین جهت، پس از وظیفه قیمومیت فلسطین، به دروغ زیر عنوان قانون "جامعه ملل" و "تصامیم جامعه ملل" نمای قانونی را برای اعلامیه بلفور اعطاء کرد.

دروغ دیگری که انگلیس خود را برائت می دهد، این که: در آن زمان انگلیس نیازمند همکاری یهودیان روسی و امریکایی بود تا هردو کشور در مقابل خطر آلمان در جنگ جهانی اول همکاری نمایند. این دروغ محض بود و دروغ آنرا اظهارات ناحوم سولوکوف چنین واضح می سازد که: «مارک سایکس خودش توافق سایکس-پیکو را طرح و بدون کدام مقدمه ای نشست با سران یهود را مطرح کرد.» وی در پهلوی سلوکوف و ایزمان و روتشیلد و هیربرت صوئیل را نیز علاوه ساخت که بعداً چرچیل وی را نماینده یهود و حاکم فلسطین مقرر کرد؛ بنا بر تقاضای وی در ماه فبروری ۱۹۱۷م نشستی برگزار کرده و سایکس به حضور فرانسوی ها و پاپ واتیکان، سپردن فلسطین به یهود را مطرح ساخت. سولوکوف درین موقف اقرار کرد که سایکس کسی است که وی را به حضور فرانسوی ها و پاپ واتیکان برده است تا از آنها موافقه بخشش فلسطین به یهود اخذ گردد.

پس انگلیس به تنهایی اش مجرم اصلی قضیه است؛ پنهان کاری در عقب پرده "جامعه ملل" و "تصامیم بین الملل" به دردش نمی خورد؛ پس از انجام جرم بزرگ به زور اسلحه، آتش و طیاره های جنگی و موشک های انگلیسی دست به تأسیس سرزمین های مصنوعی زد؛ چنانچه در توصیه هایی که وزیر مستعمرات انگلیس در سال ۱۹۲۱م به "کوکس" نماینده خود در عراق نوشت، آمده است: «استفاده از هواپیمای جنگی برای رفع هرمانع ضد قدرت بریتانیا، کار مشروع می باشد.» در سال ۱۹۲۳م زمانی که رهبران بنی هاشم بن علی از پرداخت مالیات برای بریتانیا عاجز آمدند، بریتنا با حملات هواپیما جواب داده و در آن روز ۱۴۴ شهید بجا گذاشت.

این سیاستی بود که انگلیس تحمیل نمود؛ ولی تعجب ما از امثال محمودعباس و دوست وی مالکی است که چگونه از انگلیس توقع غدرخواهی دارند؟ آن‌ها در کدام جایگاهی از خیانت قرار دارند و چگونه از خود راضی شده‌اند تا در حمایت یهود تلاش می‌کنند؟ تعجب از کسانی که یک روز می‌گفتند، اسلام راه‌حل است و اکنون بر چارچوب توافق اسلو قرار گرفته و خود را در کنار قاتلین میدان رابعه عدویه قرار داده و به بسیار بی‌شرمی عکس‌های خود را بر دیوارهای غزه آویزان می‌کنند و از بزرگ آن‌ها می‌شنویم که تصمیم دارند تا دولت فلسطین در ضفه و غزه مطابق به "مقررات بین‌الملل" تأسیس نمایند و سپس از رهبران گروه‌های انقلابی شام می‌شنویم که سخن از تسلیم شدن بر "تصامیم نشست ژنیو" می‌زنند. آیا زمان آن فرار نرسیده که مسلمانان درک نمایند که اعتماد بر "قانونیت سازمان ملل" و دیگر بخش آن ساخت دشمنان اسلام است تا طوق غلامی را به گردن مسلمانان بیندازد؟

بلی، غرب، دوستان روسی و چینی آن‌ها از دشمنی با اسلام و مسلمین به تنگ آمده‌اند؛ راه نهضت مسلمین با توسل به تصامیم سازمان ملل نیست؛ بلکه راه‌نجات در دور انداختن مزدوران غربی و بیعت با امامی است که شریعتی را تطبیق کند که امت را نیرو و قوت بخشیده و ارتشی را رهبری کند که سرزمین‌ها را آزاد و رایه اسلام را در جهان گسترش داده و مطابق به گفته الله سبحانه و تعالی این امت شاهد بر امم دیگر خواهد گردید.

عثمان بخاش

رئیس دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۳ صفر ۱۴۳۹ هـ.ق

۲ نومبر ۲۰۱۷ م